

و زمین لرزید! گزارشی از کانون زلزله...!

{بیانیه‌ی کنگره‌ی ملی بومیان در مکزیک}

و زمین لرزید! گزارشی از کانون زلزله^۱...

به خلق‌های نخستین مکزیک

به جامعه مدنی مکزیک و تمام جهان

به همه کسانی که در سطح ملی و بین‌المللی به ششمین بیانیه [از جنگل لاکندونا] پیوسته‌اند

به رسانه‌های آزاد

برادران و خواهران:

اکنون زمانِ خلق‌های نخستین است؛ زمانی برای افشاندن بذر ما و بازسازی خودمان. اکنون زمانی برای هجوم‌بردن است و این توافقی‌ست که ما از چشم‌انداز خودمان به‌عنوان افراد، روستاها، خلق‌های نخستین، و به‌عنوان کنگره ملی بومیان طرح می‌کنیم؛ اکنون زمانی برای کرامت است که بر این کشور و بر این جهان حکمرانی کند و در گام‌هایش دموکراسی، آزادی و عدالت شکوفا شوند.

بدین وسیله اعلام می‌داریم که در فاز دوم پنجمین کنگره ملی بومیان، ما به دقت نتایج همه‌پرسی که در ماه‌های اکتبر، نوامبر و دسامبر ۲۰۱۶ در میان خلق‌های بومی تشکیل‌دهنده‌ی کنگره ملی بومیان صورت گرفته بود را تحلیل کردیم. در این روندها، ما توافقاتی را در سطوح شوراهای مناطق اشتراکی^۲، مشاع، کلکتیوها، بخشداری‌ها، بین بخشداری‌ها و منطقه‌ها، به طرق و اشکال، و زبان‌های مختلف نمودیم که بازتاب‌دهنده‌ی مردمان ما در جغرافیای این کشور است و یک بار دیگر به ما می‌فهماند که با کرامت و شورش با وضعیتی که کشورمان و جهان‌مان با آن رو به روست مواجه شویم.

۱ اشاره است به سرود ملی مکزیک: «مکزیک‌ها به فریاد جنگ، فولاد را آماده کنید و به اسب‌ها افسار بزنید، تا زمین در مرکزش به لرزه در بیاید، بر اثر خروش توپ‌ها!» / مترجم.

۲ Comunal - به مفهوم اراضی و روستاهایی است که در آن دهقانان عضو کمون حق استفاده از زمین زارعتی و مس‌کونی دارند. شرط اصلی عضویت در این کمون‌ها دهقان‌بودن است. قانونی که بر اساس آن اراضی کمونال و همچنین مشاع در مکزیک بعد از انقلاب این کشور در سال ۱۹۱۰ به رسمیت شناخته می‌شد، با ورود مکزیک به نفتا، یعنی به بازار مشترک آمریکای شمالی، لغو شد. / مترجم.

ما تمامی پیام‌های حمایتی، امید و همبستگی که از سوی روشنفکران، جمع‌ها و نیز خلق‌های مختلف برایمان آمده را ارج می‌نهیم. [این پیام‌ها] در پاسخ به پیشنهاد ما با عنوان «تا زمین در مرکزش بلرزد» که در فاز نخست پنجمین کنگره ملی بومیان تهیه دیده بودیم به دست ما رسید. همچنین به صدهای انتقادی درود می‌فرستیم، که بسیاری از آن‌ها با در بر داشتن استدلال‌هایی اساساً نژادپرستانه خشم و تحقیر اهانت‌بار خود را نسبت به ایده الهام‌بخشی که می‌کوشد یک زن بومی را نه تنها برای انتخابات ریاست جمهوری، بلکه برای تغییر حقیقی و از پایین این کشور درهم‌شکسته پیشنهاد دهد، بیان نموده بودند.

به تمامی آن‌ها می‌گوییم، که زمین واقعاً لرزیده است، و ما نیز به همراه آن لرزیده‌ایم، و بنا داریم که وجدان تمام ملت را نیز بلرزانیم، و در واقع، قصد داریم که خشم، مقاومت و شورش را به مثابه‌ی گزینه‌ای در آرای انتخاباتی ۲۰۱۸ ارائه کنیم. اما قصد و هدف ما این نیست که با احزاب سیاسی یا طبقه سیاسی که هنوز بسیار به ما مدیون است رقابت کنیم. آن‌ها بابت تمام مرگ‌ها، ناپدیدشدن‌ها، زندانی‌کردن‌ها و تمام خلع‌یده‌ها، سرکوب‌ها و تبعیض‌ها بدهکارند. مقصود ما را اشتباه برداشت نکنید. ما قصد تقابل با آن‌ها را نداریم، زیرا ما مانند آنان نیستیم. ما کلمات دروغ و تحریف‌شده‌ی آن‌ها نیستیم. بلکه ما کلامی جمعی هستیم، از پایین و از سمت چپ، همان که منقلب می‌کند جهان را وقتی زمین به لرزه درمی‌آید و کانون زلزله خودگردانی‌ست و آنچه ما را با کمال افتخار از آنان متمایز می‌کند این است:

۱. در حالی که کشور در ترس غوطه‌ور بود و ترور از هزاران مرگ و ناپدیدشدن‌ها زاده شده بود، در بخش‌داری‌های مناطق کوهستان و ساحل ایالت گرررو، مردمان ما شرایط امنیت و عدالت واقعی را خلق نمودند. در سانتا ماریا اُستولا در ایالت میچوآکان، خلق ناهوآ با سایر جوامع بومی متحد شد تا امنیت را در دستان خلق باقی نگه دارد. کانون مقاومت آن‌جا مجمع عمومی کمون اُستولا به مثابه‌ی نگهبان اخلاق جنبشی بود که پیش‌تر به بخش‌داری‌های آکیلا، کوآهوآیانا، چینیکویلا و کوآلکومان بسط و نشر پیدا کرده بود. در فلات پورپچا، روستای چران نشان داده بود که به وسیله‌ی سازماندهی برای زدودن سیاست‌مداران از ساختار دولت بد و نیز با اجرای اشکال دیگری از امنیت و حکمرانی که متعلق به خودشان است، نه تنها می‌توان عدالت را بر ساخت، بلکه همچنین همانند جغرافیاهای دیگر در سرتاسر این سرزمین نشان داد که تنها از پایین و از دل شورش است که یک پیمان اجتماعی نوین می‌تواند ساخته شود: خودگردان و عادلانه. و ما هرگز ساختن از پایین حقیقت و عدالت را متوقف نکرده‌ایم و نخواهیم کرد؛ [حقیقت و عدالتی] که از ۴۳ دانشجوی ناپدیدشده‌ی دانش‌سرای تربیت معلّم روستای ایوتسینپا در ایالت گرررو، سه رفیق دانشجویی که به قتل رسیدند و رفقای دانشجویی که زخمی شدند و همه به دست دولت موادّ مخدّر و نیروهای سرکوبگر آن انجام گرفته، دریغ شده است. هم‌زمان، دولت بد در تمامی سطوح آن، مبارزه اجتماعی، مقاومت و شورش را به جرم بدل کرده و مردان و زنانی که برای مقاصد عادلانه مبارزه می‌کنند را در معرض تعقیب قضایی، اذیت و آزار، ناپدیدشدن، زندانی شدن و قتل قرار داده است.

۲. در حالی که تخریب به گوشه‌گوشه‌ی این سرزمین می‌رسد، هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و مردم را از زمین و آنچه که برایشان مقدس است جدا می‌کند، خلق ویشاریکا، به همراه کمیته‌های دفاع از زندگی و آب از فلات پوتوسینو نشان داده‌اند

که آنها می‌توانند از قلمرو و محیط زیست‌شان دفاع کنند، توازی در وحدت و هماهنگی با طبیعت ایجاد کنند، و از یک منظر مقدّس قادرند هر روزه ارتباط اجدادیشان را با زندگی، زمین و خورشید و نیز نیاکان‌شان بازآفرینی کنند و به سرتاسر هفت بخش‌داری در قلمروی مقدس مراسم مذهبی ویریکوتا در سن لوئیس پوتوسی دست یابند.

۳. در حالی که دولت‌های بد، آموزش و پرورش را در اختیار بنگاه‌های سرمایه‌داری قرار می‌دهند تا دیگر آموزش و پرورش یک حق نباشد، خلق‌های نخستین بر مبنای سیستم آموزشی مختص به خودشان به ایجاد مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و نیز دانشگاه دست زده‌اند که بر اساس ایده‌ی حفاظت از مادرمان زمین، در دفاع از قلمرو، تولید، علم و هنر به زبان‌های خودمان عمل می‌کنند. علی‌رغم این که بخش عمده‌ی این روندها بدون کمترین حمایتی از جانب سطوح مختلف دولت بد رشد کرده و به بار نشسته است، این نهادها به همگان خدمت می‌کنند.

۴. در حالی که رسانه‌های وابسته و سخنگویان اجیرشده که تک‌تک کلمات را به هرزگی می‌کشاند تا مردم روستاها و شهرها را در خواب خرگوشی نگه دارند، تحمیق کنند، و کسانی را که می‌اندیشند و از داشته‌های خود دفاع می‌کنند، مجرم می‌انگارند و آنان را بزهکار، خرابکار و وصله‌ی ناجور می‌خوانند، در همان حال سودجویانی که از جهل مردم زندگی می‌کنند و به لحاظ اجتماعی از خودبیگانگی مثبت ارزیابی می‌شود، و آنان که ستم و سرکوب می‌کنند، استثمار و خلع ید می‌کنند، همواره به‌عنوان چهره‌های خوب ماجرا و کسانی که شایسته احترام‌اند و بایستی اجازه خدمتگزاری داشته باشند، برجسته می‌شوند. در حالی که تمام این قضایا اتفاق می‌افتد، خلق‌ها رسانه‌های خود را ایجاد کرده، و ایده‌هایشان را به شیوه‌های دیگری خلق کرده‌اند تا دروغ‌هایی که سرمایه‌داران به آنان تحمیل می‌کنند، کمترین سایه‌ای بر وجدان آنان نیاندازد، و به‌علاوه از آن برای گسترش سازمانیابی از پایین استفاده می‌کنند؛ زیرا [سازمانیابی از پایین] جایی‌ست که در آن کلام حقیقی خلق می‌شود.

۵. در حالی که «دموکراسی» نمایندگی احزاب سیاسی به تقلید مسخره‌آمیزی از اراده مردم تبدیل شده است که در آن آرای عمومی مانند هر کالای دیگری خرید و فروش می‌شود و سرمایه‌داران فقر را در جوامع روستایی و شهری حفظ می‌کنند تا برای دست‌کاری اذهان عمومی مردمان شهر و روستا به کار گرفته شود، در همان حال، خلق‌های نخستین به مراقبت و گسترش اشکال اجماع و پرورش مجامع عمومی به‌مثابه‌ی ارگان‌های دولتی مشغولند که از طریق آن‌ها صدای هر نفر به همراه دیگران به توافقی عمیقاً دموکراتیک می‌انجامد، و مناطق کامل را در بر می‌گیرد، و از طریق مجامع عمومی که با توافقات مجامع دیگر مفصل بندی می‌شوند و هریک از اراده قاطع هر خانواده برخاسته، به هم پیوند می‌خورند.

۶. در حالی که دولت تصمیماتش را به نفع عدّه‌ی معدودی [به اکثریت] تحمیل می‌کند، اراده جمعی را ریشه‌کن می‌کند و هر آن کس را که در برابر پروژه‌های مرگ او بایستد مجرم می‌شمارد و سرکوب می‌کند؛ پروژه‌هایی نظیر فرودگاه جدید مکزیکوسیتی که با هزینه خون ما مردم پیش می‌برد، و با درآوردن ادای مشورت مرگ را به ما مردم تحمیل می‌کند، ما خلق‌های بومی راه‌ها و اشکالی دائمی داریم تا به‌طور آزاد و آگاهانه به همه‌پرسی‌های پیش از تصمیم، چه در موارد کوچک و چه بزرگ، دست بزنیم.

۷. در حالی که دولت بد حاکمیت بر حوزه‌ی انرژی کشور را از طریق خصوصی‌سازی به دست بیگانگان می‌سپارد و نرخ بالای بنزین چهره دروغ سر مایه‌داری را آشکار می‌کند، دروغی که در واقع تنها جاده صاف‌کن نابرابری‌ست؛ و وقتی با پاسخ شورش‌گرانه‌ی خلق‌های بومی و غیربومی مکزیک مواجه می‌شود، که قدرتمندان نه می‌توانند این شورش‌ها را پنهان کنند، و نه در برابرشان خاموش بمانند، ما خلق‌ها با آن مقابله می‌کنیم و برای توقف تخریب قلمروهایمان از طریق فراقینگ [استخراج نفت از طریق تزریق مصنوعی مواد شیمیایی در زمین] مزارع زیست محیطی^۲، معادن، چاه‌های نفت، لوله‌کشی گاز و نفت در ایالت‌هایی مانند براکروز، سونورا، سینالوا، کالیفرنیا، سفلی، مورلوس، اوآخاکا، یوکاتان و سرتاسر قلمروی ملی می‌جنگیم.

۸. در حالی که دولت بد غذاهای سمی و ترانس ژنتیکی [تولیدشده از گیاهان و جاندارانی که ژن آنها را تغییر داده‌اند-م] را در سبد مصرف‌کنندگان سرتاسر روستاها و شهرها قرار می‌دهد، خلق‌های مایا مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیر خود را برای جلوگیری از کاشت بذره‌ای دستکاری ژنتیکی شده در شبه جزیره‌ی یوکاتان و سرتاسر کشور ادامه می‌دهند تا میراث ژنتیک نیاکان ما را که در عین حال به مفهوم زندگی، سازمان جمعی ما و نیز بنیانی برای معنویت ماست از صدمه و نابودی حفظ کند.

۹. در حالی که طبقه سیاسی [حاکم] تنها نابود می‌کند و وعده‌های توخالی می‌دهد، ما مردمان می‌سازیم، نه برای حکومت‌کردن، بلکه به این خاطر که با خودمختاری و تعیین سرنوشت خود زیست کنیم.

مقاومت و شورشگری ما قدرت از پایین را می‌سازد؛ وعده‌های پوشالین یا عملکردهای توخالی پیشنهاد نمی‌دهد، بلکه روندهایی واقعی برای تغییرات رادیکال [پیشنهاد می‌کند] که همگان در آن مشارکت دارند و برای بومیان این ملت در گونه‌های بی‌شمار و جغرافیاهای گسترده ملموس است، به همین خاطر است که به‌عنوان کنگره ملی بومیان، که ۴۳ خلق این کشور را در این پنجمین کنگره گرد هم آورده است، موافقت کردیم که یک شورای دولت بومی را انتخاب کنیم، که متشکل باشد از مردان و زنان نماینده از تک‌تک خلق‌ها، قبائل و ملت‌هایی که کنگره ملی بومیان را تشکیل می‌دهند و این شورا خودش را برای حکمرانی بر این کشور پیشنهاد می‌دهد. این شورا یک زن بومی را از دل کنگره ملی بومیان به‌عنوان سخنگوی خود برمی‌گزیند، زنی که خون بومی در رگ‌هایش جریان داشته باشد و فرهنگ بومی خود را بشناسد. به عبارتی این زن بومی سخنگو از سوی کنگره ملی بومیان کاندیدای مستقل ریاست جمهوری مکزیک در سال ۲۰۱۸ بشود.

به همین خاطرست که ما، کنگره ملی بومیان، به‌عنوان خانه‌ی تمام خلق‌ها، ارکان پیکربندی اخلاق مبارزاتی‌مان را وضع می‌کنیم، مبارزه‌ای که در آن برای تمام خلق‌های نخستین در این کشور فضا و جا هست. اصولی که شورای دولت بومیان بر آن استوار است، عبارتند از:

اطاعت کردن، نه فرمان دادن

نماینده‌گری کردن، نه جایگزین کردن

^۲ منظور از مزارع زیست‌محیطی مناطق وسیعی است که دولت مکزیک در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داده تا با نصب توربین‌های بادی برق تولید کنند. از این طریق در این مناطق به‌خصوص در ایستمو دِ تهاوانته پک بسیاری از انواع جانداران فضای حیات خود را از دست می‌دهند. / مترجم.

خدمت به دیگران، نه خدمت به خود

متقاعد کردن، نه حقنه کردن

پایین رفتن، نه بالا رفتن

پیشنهاد دادن، نه تحمیل کردن

ساختن، نه تخریب

ما برای تفرج این اصول را ابداع و بازسازی نکرده‌ایم، بلکه به این دلیل آنها را ابداع کرده‌ایم که تنها اشکالی هستند که برای ادامه‌ی هستی خود در اختیار داریم. یعنی با پیروی از راه‌های نوینی که از حافظه‌ی جمعی‌مان از اشکال مختص به خودمان برای تشکل و ام گرفته‌ایم، همه‌ی آن‌ها محصول مقاومت و شورش، و ماحصل مواجهه‌ی روزمره با جنگی است که پایان نیافته است و هنوز نتوانسته است ما را از بین ببرد. با به کار گرفتن این اشکال، نه تنها توانسته‌ایم راهی به سوی بازسازی همه‌جانبه‌ی خلق‌هایمان بکشاییم، بلکه همچنین توانسته‌ایم اشکال نوین تمدن را نیز بازآفرینی کنیم، امید جمعی‌ای که بدل می‌شود به مراکز اجتماعی، به بخشداری‌ها، به مناطق، و به ایالاتی که اکنون می‌توانند به مشکلات واقعی کشور به‌نحو‌ی ارزشمند، و با فاصله‌ای بسیار از طبقه سیاسی و فساد گسترده آن، پاسخ بدهند.

از پنجمین کنگره ملی بومیان، ما خلق‌های نخستین این سرزمین، جمع‌های پیوسته به ششمین بیانیه [از جنگل لاکندونا]، کارگران، جبهه‌ها و کمیته‌هایی که در مناطق شهری و روستایی مبارزه می‌کنند، دانشجویان، روشنفکران، هنرمندان، دانشمندان، عناصر جامعه مدنی که سازمان‌یافته نیستند، و تمامی انسان‌های نیک‌خواه را فرا می‌خوانیم که صفوف‌شان را نزدیک‌تر کنند و به تهاجم دست بزنند. ما شما را فرا می‌خوانیم که قدرت از بالا را از بین ببرید و اکنون [باید] خودمان را از پایین به سمت چپ بازسازی کنیم؛ دیگر نه تنها به‌عنوان خلق‌ها، بلکه به‌عنوان یک کشور. ما همگان را فرا می‌خوانیم که در قالب سازمان واحدی به هم بپیوندیم که در آن کرامت انسانی کلام آخر و عمل نخستین ماست. شما را فرا می‌خوانیم که بیایید خودمان را سازمان بدهیم تا این جنگ را متوقف کنیم و از ساختن خودمان نهراسیم و بذرهايمان را بر ویرانه‌هایی که سر مایه‌داری به جا گذاشته، بپاشیم.

این آن چیز است که انسانیت و مادرمان زمین از ما می‌خواهد. اکنون زمانی برای کرامت شورشگرانه است که آن را با دعوت به تشکیل یک مجمع عمومی مؤسس شورای بومی دولت مکزیک در ماه مه ۲۰۱۷ به عمل درمی‌آوریم. از این لحظه ما پل ارتباطی خواهیم داشت با رفقای زن و مرد در جامعه مدنی، رسانه‌ها و نیز خلق‌های نخستین، تا زمین در قلب خویش بلرزد، تا [بتوان] بر ترس فائق شد و هر آن چه متعلق به انسانیت، زمین و خلق‌هاست، نیروی دوباره بگیرد؛ تا قلمروهایی که مورد اشغال و نابودی قرار گرفته، دوباره احیا شود، تا ناپدیدشدگان این سرزمین دوباره بازگردند، برای آزادی تمام زندانیان سیاسی، و حقیقت و عدالت برای تمام آنانی که کشته شده‌اند، و برای کرامت مردمان روستاها و شهرها. ما برای همه چیز پیش می‌رویم، زیرا می‌دانیم که این ممکن است آخرین فرصت برای ما به‌عنوان خلق‌های نخستین و به‌عنوان جامعه مکزیک باشد که با قرار

دادن کرامت انسانی به عنوان کانون زلزله برای جهانی نوین، به شکلی مسالمت آمیز و رادیکال، شیوه‌های حکومتی‌مان را تغییر دهیم.

از اونتیک، قلمروی زاپاتیست‌ها، چیاپاس، مکزیک
تا دیگر هرگز یک مکزیکی بدون ما وجود نداشته باشد!
کنگره ملی بومیان
ارتش آزادی‌بخش ملی زاپاتیستی

۱ ژانویه ۲۰۱۷

منبع:

نسخه‌ی اصلی در وبسایت «ارتش زاپاتیستی آزادی‌بخش ملی»: [Declaración del V Congreso Nacional Indígena](#)

ترجمه‌ی انگلیسی در وبسایت «ارتش زاپاتیستی آزادی‌بخش ملی»: [...AND THE EARTH TREMBLED! A REPORT FROM THE EPICENTER](#)

ترجمه‌ی فارسی در وبسایت «ارتش زاپاتیستی آزادی‌بخش ملی»: [و زمین لرزید! گزارشی از کانون زلزله...!](#)

پراکسیس

PRAXIES.ORG

۱۷ فوریه ۲۰۱۷